



باید و نبایدهای حقوقی زناشویی

تالیف

گودرز ملکی

فاطمه ملکی

فاطمه نجفی

ویراستار

شهین عزرتی گیلان

انتشارات قانون یار

۱۳۹۷

فهرست مطالب

پیشگفتار

فصل اول

کلیات

فصل دوم

آثار حقوقی مترتب بر زناشوئی در بحث عقد
نکاح

فصل سوم

آثار حقوقی مترتب بر زناشوئی در بحث انحلال
نکاح ۱۸۴

فصل چهارم

آثار حقوقی مترتب بر زناشوئی در بحث اولاد
وارث

نتیجه گیری

منابع

در یک جامعه، جامعه، خانواده، کوچکترین نهاد اجتماعی بوده که از پیوند میان یک مرد و یک زن، بوجود می آید. در اسلام، برقراری روابط جنسی، صرفاً در قالب خانواده، مشروع دانسته شده، از این رو، آثار این روابط، بیشتر در این نهاد، نمود می یابد. لیکن، بر روابط جنسی خارج از بحث ازدواج از قبیل زنا نیز، آثاری تحمیل شده است. دخول، آثاری نظیر ایجاد حرمت در نکاح، استقرار کامل مهریه بر عهدهٔ زوج، وجوب پرداخت نفقه از ناحیهٔ زوج، اسقاط حق فسخ، تعیین نوع طلاق، لزوم نگاهداری عده یا عدم آن، تعیین مدت زمانی که زوج باید عده نگاه دارد، اثبات نسب، اجرای قاعدهٔ فراش و آثاری

از این قبیل را ایجاد می نماید. در این کتاب، به بررسی آثار حقوقی مترتب بر روابط زناشوئی می پردازیم و مسائل مربوط به انعقاد عقد نکاح، مهریه، نفقه، انحلال نکاح و اولاد، مورد بررسی قرار می گیرد. نکاح رابطه ایست حقوقی و در عین حال عاطفی، که بوسیله عقد، بین زن و مرد، برقرار می گردد و به آنها، حق می دهد که با یکدیگر زندگی نموده و صاحب فرزند شوند. اثر بارز این رابطه، حق تمتع جنسی زن و شوهر از یکدیگر است. بنابراین، آن چنان که مشاهده می شود، مهمترین موضوع و رابطه ای که در یک عقد نکاح، بین طرفین ایجاد می شود، امکان برقراری نزدیکی می باشد. از این رو، با توجه به اینکه، با وقوع نزدیکی، آثار و احکام خاصی در

روابط زوجین، حاکم می شود، در این اثر علمی ، به بررسی زناشوئی و آثار حقوقی مترتب بر آن در روابط زوجین، خواهیم پرداخت. در این اثر علمی، به بررسی این موضوع خواهیم پرداخت که آیا برقراری روابط زناشوئی، مسبب ایجاد حرمت در نکاح می شود و اگر جواب مثبت است، چه نوع محدودیتی بوجود می آورد؟ همچنین تأثیر زناشوئی بر مهریه و انواع آن چیست؟ آیا در فسخ نکاح، برقراری روابط زناشوئی بین زوجین، تأثیری در روابط طرفین و مهریهٔ زوجه می نهد یا نه؟ آیا نوع طلاق، بسته به برقراری روابط زناشوئی، تغییر می یابد یا خیر؟ آیا قانون، از تمام روابط زناشوئی حمایت می نماید و آثار و احکام خود را بر آنها مترتب می

داند و یا اینکه تنها رابطه زناشویی، دارای آثار مقرر در قانون می باشد که طی عقد نکاح صحیح شرعی و قانونی، برقرار شده باشد؟ آیا فرزندی که به سرپرستی گرفته می شود، به جهت آنکه از روابط جنسی آن زن و مرد، متولد نشده است، تحت حمایت قانون قرار دارد یا خیر؟ و در نهایت تکلیف فرزندی که از راه تلقیح مصنوعی بوجود آمده است، چیست؟ در این اثر علمی به بررسی این موارد خواهیم پرداخت.

فصل اول

کلیات

بر مبنای آنچه که روال معمول در تالیف این کتاب می باشد، فصل اول، به بیان کلیات و مفاهیم، اختصاص دارد تا خواننده، با ذهنی باز و روشن از آنچه که نگارنده درصدد بیان آن است، وارد مفاهیم ماهوی نوشته شود. این کتاب نیز از این قاعده، مستثنی نخواهد بود. سه مبحث در فصل اول، مورد بررسی خواهند بود. در فصل اول، مفهوم زناشوئی در لغت و حقوق مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در مبحث دوم، به بیان مفاهیم مشابه همچون نزدیکی، وطی، جماع، زنا و روابط مادون زنا، نزدیکی یا وطی به شبهه و

تمکین خواهیم پرداخت و در مبحث آخر به بررسی دیدگاه‌های ادیان مختلف و دانشمندان در خصوص برقراری روابط جنسی می پردازیم.

مبحث اول : مفهوم زناشوئی

این اصطلاح، از جمله اصطلاحاتی است که مفهوم آن در لغت با مفهوم آن در فقه و حقوق، چندان متفاوت نبوده و تنها در سخن صاحب‌نظران، تفاوت‌های اندکی به چشم می خورد. اما آنچه که مسلم به نظر می رسد، از واژه زناشوئی، در ذهن همه شنوندگان، یک مفهوم، در ابتدای امر، به ذهن متبادر می گردد و آن، روابط جنسی فی مابین زوجین در یک عقد نکاح می باشد. اما آنچه که مسلم است، مفهوم زناشوئی در عرف عامه مردم، به روابط صحیح شرعی و قانونی یک

زوج گفته می شود، در حالیکه این مفهوم در حقوق، می تواند شامل روابط نامشروع فی مابین یک زن و مرد غریبه نیز باشد. بنابراین طی دو گفتار ذیل، به بیان این مفاهیم خواهیم پرداخت.

گفتار اول : مفهوم زناشوئی در لغت

زناشوئی در لغت به معنای زن و شوهری، زن گرفتن مرد، شوهر کردن زن و ازدواج آمده است.^۱

گفتار دوم : مفهوم زناشوئی در حقوق

مفهوم زناشوئی در علم حقوق، با مفهوم لغوی این واژه، کاملاً متفاوت می باشد. البته منظور از زناشوئی در معنای عام، رابطه جنسی

^۱ - عمید، حسن، فرهنگ عمید، سازمان چاپ و انتشارات جاویدان، چاپ دهم،

بین زن و مرد می باشد که می تواند در قالب عقد نکاح دائم یا منقطع، زنا و نزدیکی به شبهه، واقع شود و عبارت است از نزدیکی میان زن و مرد به نحویکه آلت مرد به قدر حشفه در دبر یا قبل زن، داخل شود که این تعریف در کتب هیچ یک از حقوقدانان حقوق مدنی نیامده، و مفهوم زناشویی در حقوق نمی باشد.

لیکن مفهوم زناشویی در حقوق (مفهوم خاص)، شامل روابط جنسی مشروع میان زن و شوهر می باشد. زیرا قانون مدنی و شرع مقدس اسلام، صرفاً بر این نوع روابط، عنوان رابطه زناشویی بار نموده و سایر روابط را از این شمول، خارج نموده است. معنای تحت اللفظی این واژه نیز مؤید همین استدلال می باشد، چرا که این

واژه از دو کلمه زن و شوئی تشکیل شده که در فرهنگ لغت به زن و شوهر، معرفی شده اند .

مبحث دوم : زناشوئی و مفاهیم مشابه

رابطه زناشوئی به جهت آثار خاصی که دارد، باید از مفاهیم مشابهی که دارای آثار ویژه و خاص خود می باشند، متمایز گردد. از این رو در این مبحث به بررسی مفاهیم مشابه که در قانون و شرع در رابطه با مسائل جنسی، مطرح می گردد، خواهیم پرداخت.

گفتار اول : نزدیکی

نزدیکی یا همان مقاربت؛ در نکاح، عبارت
است از دخول مقدار حشفه از آلت تناسلی مرد
در آلت تناسلی زن.^۲

گفتار دوم: وطی

وطی ادخال حشفه در دبر یا قبل است^۳ و
انواع مختلف دارد: وطی به حرام، وطی به زنا،
وطی به شبهه و وطی به نکاح.

وطی به حرام، هر وطی ممنوع شرعی را
گویند، خواه علقه زوجیت وجود داشته باشد یا

^۱ - جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات کتابخانه گنج

دانش، چاپ ۱۱، ۱۳۸۱، تهران، ص: ۷۱۱

^۲ - همان، ص: ۶۷۶

^۳ - همان، ص: ۷۵۰

نه، مثلاً وطی در حال حیض وطی به حرام است.^۱

گفتار سوم : جماع

جماع به همان معنی نزدیکی است که بیشتر در کتب فقها، از آن استفاده می شود .

گفتار چهارم : زنا و روابط مادون زنا

زنا، رابطه نامشروع بین زن و مردی است که به حرمت کار خود آگاهند و دانسته به قوانین تجاوز می کنند. زنا ، جماع غیر مشروع است، خواه در آلت تناسلی باشد، خواه نه. برای تحقق زنا، علاوه بر عنصر عدم مشروعیت موافقه و

^۱ - همان

^۲ - کاتوزیان، ناصر، حقوق خانواده، ج ۱، شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن

عمد، شرط است که زانی بالغ باشد، اگر چه طرف او نابالغ باشد و شرط است که زانیه بالغه باشد، اگر چه طرف او نابالغ باشد و زانی عاقل باشد ولو اینکه طرف عاقله نباشد و زانیه، عاقل باشد، اگر چه طرف، عاقل نباشد و شرط است که دخول، لااقل به قدر حشفه باشد. همچنین گفته شده است که علم به جرم بودن زنا، شرط تحقق این جرم است.^۱

گفتار پنجم : نزدیکی یا وطی به شبهه

هر گاه مردی با زنی نزدیکی نماید، به تصوّر اینکه بین آنان، رابطهٔ زوجیت وجود دارد لیکن در واقع رابطه ای وجود نداشته است، این عمل را نزدیکی به شبهه یا وطی به شبهه و فرزند ناشی از

^۱ - جعفری لنگرودی، محمد جعفر، منبع قبل، ص: ۳۴۴

این نزدیکی را ولد شبهه و نسب چنین فرزندی را
نسب ناشی از شبهه می نامند.^۱

در تعریف وطی به شبهه چنین گفته شده
است: «وطی به شبهه یا نزدیکی به شبهه از عناصر
ذیل تشکیل می شود:

الف - مواءمة مرد با زن به طور طبیعی باشد.

ب - مواءمة، به استناد سبب قانونی (عقد
نکاح) صورت گیرد.

ج - فاعل مواءمة، استحقاق مواءمة را در واقع
نداشته باشد ولی خود را مستحق بداند، یعنی
مجاز در مواءمة تصور کند، به علت جهل به
موضوع یا حکم.

^۱ - صفائی، سید حسین و امامی، اسدالله، مختصر حقوق خانواده، نشر میزان،

د - عذر جهل فاعل موقعه به حقیقت حال) یعنی عدم استحقاق خویش)، شرعاً مسموع باشد، مانند ازدواج با کافره بدون اطلاع از کفر او یا یکی از محارم رضاعی در مورد شبهه غیر محصور فرقی نمی کند که شبهه حکمی باشد یا موضوعی و اشتباه از طرف زن باشد یا مرد.

ه - خواب و جنون و مستی در حکم جهل به استحقاق موقعه است و موقعه در این حالات، مصداق وطی به

شبهه است. وطی به شبهه در مقابل وطی به نکاح صحیح و وطی به زنا استعمال می شود. «^۱

^۱ - جعفری لنگرودی، محمد جعفر، منبع قبل، ص: ۷۵۰

نزدیکی یا وطی به شبهه، رابطه ایست نامشروع، که به گمان زن یا مرد و یا هر دو آنها، مشروع است. به عبارت دیگر، زن و مرد به سبب جهل به قانون یا اشتباه در هویت طرف خود، رابطه نامشروعی با یکدیگر برقرار می نمایند که به اعتقاد و ظن خودشان، مشروع و حلال است! به عنوان مثال، مردی که از میزان عده یک مطلقه رجعیه مطلع نمی باشد، در مدت عده، به گمان آنکه زن از قید زوجیت رها شده است، با او نزدیکی می نماید.

نزدیکی به شبهه، بسته به اینکه زن یا مرد، نسبت به چه امری جهل دارند، به دو شبهه حکمی و موضوعی تقسیم می شود.

در شبههٔ حکمی، شبهه در حکم وضع شده در قانون است. در این نوع شبهه، فرد بر اثر جهل به قانون، با شخصی که می پندارد همسرش است، نزدیکی می نماید، در حالیکه مطابق قانون و شرع، نمی تواند با او ازدواج نماید.^۱ مثالی که در پاراگراف بالا بیان شده است، از جمله شبهات حکمی است.

در مقابل، در شبههٔ موضوعی، اشتباه در موضوع یک حکم باعث اشتباه فرد می شود. به عنوان مثال، شخص می داند که ازدواج با محارم رضاعی، حرام است، اما ندانسته با زنی ازدواج می نماید که از محارم رضاعی اوست و یا اینکه مردی به تصور اینکه این زن، همسر خودش

^۱ - صفائی، سید حسین و امامی، اسدالله، منبع قبل، ص: ۳۰۸

است، با او نزدیکی نماید و بعد متوجه شود اشتباه کرده است.^۱

تقسیم بندی دیگری نیز در وطی به شبهه، ارائه شده است: شبهه در عقد و شبهه در وطی.

شبهه در عقد ، بدان معناست که عقد نکاحی، بر اثر اشتباه، منعقد می شود و سپس نزدیکی واقع می گردد. اما شبهه در وطی، بدان معناست که بدون آنکه عقدی در بین باشد، نزدیکی بین زن و مرد به اشتباه، انجام شود. به عنوان مثال، فردی نابینا، با تصور اینکه با زن خویش، نزدیکی می نماید، همبستر شود، در حالیکه اشتباه می نموده است.

قانون گذار در هر دو فرض، طفل حاصل از این نزدیکی را دارای نسب مشروع می داند.^۱ ماده ۱۱۶۶ قانون مدنی در این خصوص چنین مقرر می دارد: « هر گاه بواسطه وجود مانعی، نکاح بین ابوین طفل، باطل باشد، نسب طفل، به هر یک از ابوین که جاهل بر وجود مانع بوده، مشروع و نسبت به دیگری، نامشروع خواهد بود. در صورت جهل هر دو، طفل نسبت به هر دو مشروع است.»

در کنار این موارد، مواردی نیز وجود دارد که قانونگذار و شارع مقدس، آنها را در حکم وطی به شبهه دانسته است. به عنوان مثال؛ اگر کسی در حال جنون یا خواب یا در نتیجه اکراه،

نزدیکی کند، این عمل نیز وطی به شبهه یا در حکم آن است. هر گاه نزدیکی در حال مستی واقع شده باشد، اگر مستی، عمدی و اختیاری باشد، بر مبنای نظر مشهور فقهای امامیه، بر این عمل، وطی به شبهه، نمی توان گفت بلکه زنا است و فرزند ناشی از آن نیز، ولدالزنا محسوب می شود.^۱ البته برخی از حقوقدانان معتقدند که به جهت رعایت مصلحت طفل، باید این عمل را نزدیکی به شبهه تلقی نماییم. دلیل دیگری نیز که بدان استناد می نمایند، آن است که مست، مانند دیوانه، فاقد اراده است و متوجه حرمت عمل

^۱ - نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۲۹، ناشر مکتبه الاسلامیه، چاپ آیداء،

حرام خویش نمی باشد، مگر اینکه به قصد نزدیکی با زن نامحرم، مست کرده باشد.^۱

نکته دیگر اینکه قانون مدنی در مورد نزدیکی به اکراه، حکم خاصی ندارد، اما می توان از مفاد ماده ۸۸۴ قانون مدنی، در خصوص حکم این نوع نزدیکی، نتیجه گرفت که چنین نزدیکی را در حکم شبهه دانسته و نسب چنین طفلی را منتسب به مکره می داند. این ماده، چنین مقرر می دارد: « ولدالزنا، از پدر و مادر و اقوام آنان، ارث نمی برد، لیکن اگر حرمت رابطه که طفل ثمره آن است، نسبت به یکی از ابویین ثابت و نسبت به دیگری به واسطه اکراه یا شبهه، زنا

^۱ - صفائی، سید حسین و امامی، اسدالله، منبع قبل، ص: ۳۰۹

نباشد، طفل فقط از این طرف و اقوام او ارث می
برد و بالعکس».

گفتار ششم : تمکین

اولین نتیجه ریاست مرد بر خانواده که
مهمترین آن نیز می باشد، الزام زن به تمکین از
شوهر خویش می باشد.

در تعریف تمکین چنین گفته شده است : «
فقها گفته اند مراد از تمکین، آن است که تخلیه
کند (یعنی آزاد گذارد) میان خود و شوهر در
هر جا و در هر حال و خود را بدست او دهد،
مگر در مواردیکه قانون او را معذور شمرده
است، مثل ایام حیض و احرام و مرض مانع

تمکین. معذک قضیه، تابع عرف ازمنه و امکانه و اقوام است.»^۱

تمکین در عرف حقوقی، دارای دو معنای عام و خاص است.

تمکین عام به معنای قبول ریاست زوج بر خانواده و قبول نظرات و احترام به اراده او در تربیت فرزندان و اداره مالی و اخلاقی خانواده است.^۲ در واقع، تمکین به معنای عام آن است که زن وظایف خود را نسبت به شوهر انجام داده و از او در حدود عرف و قانون، اطاعت نموده و ریاست شوهر بر خانواده را پذیرا باشد.^۳ ضابطه

^۱ - جعفری لنگرودی، محمد جعفر، منبع قبل، ص: ۱۷۸

^۲ - کاتوزیان، ناصر، منبع قبل، ص: ۲۲۸

^۳ - صفائی، سید حسین و امامی، اسدالله، منبع قبل، ص: ۱۲۷

این نوع تمکین، رفتار یک انسان متعارف است. در اختلاف سلايق، زن بايد نظر شوهر را پذيرد و نمي تواند از اين باب به دادگاه مراجعه نمايد. البته رياست مرد بايد از باب حفظ مصالح خانوادگي باشد، نه از باب تحميل حکومت خود سرانه و ظالمانه او بر زن.

در مقابل تمکين عام، تمکين خاص وجود دارد. اين نوع تمکين، ناظر به رابطه جنسي زن با شوهر و اجابت نيازهاي مشروع جنسي او است.^۱ به عبارت ديگر؛ تمکين در اين معنا، عبارت از اينکه زن نزديکي جنسي با شوهر را به طور متعارف پذيرفته و جز در موارد معاذير موجه

^۱ - کاتوزيان، ناصر، منبع قبل، ص: ۲۲۸

قانونی و شرعی، از برقراری رابطه جنسی با او
امتناع ننماید.^۱

مبحث سوم : دیدگاههای مختلف پیرامون روابط جنسی

گفتار اول : دیدگاه تفریطی

در قرن ۱۵ میلادی، مسیحیان معتقد بودند
که خواب شیطانی، (انزال در خواب) ناشی از
آمیزش با موجودات روحی است. از منظر
یهودیان، به روابط جنسی، صرفاً برای تولید نسل
و داشتن وارث، مجاز شناخته می شد. دیدگاه

^۱ - صفائی، سید حسین و امامی، اسدالله، منبع قبل، ص: ۱۲۷

این دین دربارهٔ جنس زن، این بود که خارج از دایرهٔ ازدواج، هیچ حق دارائی نداشتند.^۱

در این دیدگاه، هرگونه برقراری رابطهٔ جنسی با جنس مخالف، مورد تقبیح و نکوهش قرار می‌گیرد. برتراند راسل در کتاب زناشوئی و اخلاق در این خصوص چنین می‌نویسد: «عوامل و عقاید مخالف جنسیت، در اعصار خیلی قدیم وجود داشته و به خصوص در هر جا که مسیحیت و دین بودا، پیروز شد، عقیدهٔ مزبور نیز تفوق یافت. وستر مارک مثالهای زیادی از این فکر عجیب مبنی بر اینکه چیز ناپاک و تباهی در روابط جنسی وجود دارد، ذکر می‌نماید. در

^۱ - کجباف، محمد باقر، روان‌شناسی رفتار جنسی، نشر روان، چاپ اول، ۱۳۷۸،

آن نقاط دنیا نیز که دور از تأثیر مذهب بودا و مسیح بوده است، ادیان و راهبانی بوده اند که طرفداری از تجرد می کرده اند، مانند اسنیتها در میان یهودیان و بدین طریق، یک نهضت عمومی ریاضت، در دنیای قدیم، ایجاد شد. در یونان و روم متمدن نیز طریقهٔ کلیون، جای طریقهٔ اپیکور را گرفت. افلاطونیان نو نیز به اندازهٔ کلیون، ریاضت طلب بوده اند. از ایران، این عقیده (دکترین) به سمت باختر پخش شد که ماده، عین تباهی است و به همراه آن، این اعتقاد با جزئی اصلاح، اعتقاد کلیسای مسیحیت محسوب گردید.^۱ دلیل رواج این عقیده، تفسیری بود که

^۱ - مطهری، مرتضی، اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، انتشارات صدرا،

از زمان پیدایش کلیسا در خصوص مجرد بودن عیسی (ع) بین مردم، گفته می شده است و شرط وصول به مقام والای روحانیت در این دین، دوری از جنس زن دانسته شده و پاپ از میان چنین افرادی، برگزیده می شود. راسل در این خصوص در ادامه مطالب قبل خویش، چنین می نویسد: «در رسالات قدیسین، به دو یا سه توصیف زیبا از ازدواج برمی خوریم، ولی در سایر موارد، پدران کلیسا، از ازدواج به زشتترین صورت یاد کرده اند. هدف ریاضت این بوده که مردان را متقی سازد. بنابراین ازدواج که عمل پستی شمرده می شد، بایستی منعدم شود. با تبر بکارت درخت زناشوئی را فرو اندازید، این عقیده راسخ سن ژورم درباره هدف تقدس

است.» کلیسا ازدواج را صرفاً به نیت تولید نسل، مجاز می داند ولی این موضوع نیز، پلیدی ذاتی رابطه جنسی را از بین نمی برد. کلیسا، ازدواج را غیر قابل فسخ دانسته و طلاق ممنوع شده است.^۱

گفتار دوم: دیدگاه افراطی

در مقابل سیستم سختگیرانه کلیسا، نظریات جدیدی در خصوص اصلاح عقاید و اخلاقیات جنسی، پدید آمد که بر سه اصل استوار می باشد:

اول: آزادی تا جائیکه به حقوق دیگران، خللی وارد نیاورد.

دوم: رشد تمامی غرایز و استعدادهای بشر برای رسیدن به سعادت.

سوم : همواره بشر از چیزی که بدان منع شده حریص تر گشته است. پس با برداشتن محدودیت ها و قیود از سر راه تمایلات جنسی یک انسان، توجه دائم او به مسائل جنسی، کمتر می شود.^۱

مدعیان اصلاح عقیده دارند که دلایلی که سبب ایجاد اخلاق کهن جنسی از قبیل؛ مالکیت مرد نسبت به زن، حسادت مردان، کوشش مرد برای اطمینان به پدری خود، اعتقادات مرتاضانه نسبت به روابط جنسی و پرهیز مرد از زن در زمان عادت ماهانه و نیاز مرد به زن از لحاظ اقتصادی، گردیده بود، در حال حاضر وجود ندارد. در حال حاضر، مردان نسبت به زنان، هیچ

مالکیتی ندارند. داروهای ضد بارداری، کشف شده است. عقاید مرتاضانه، دیگر طرفدار زیادی ندارد. دولت از زنان در ایام بارداری، زایمان و شیردهی، حمایت می نماید و به نوعی نیاز اقتصادی زن به مرد، از بین رفته است.^۱

فروید و اتباع وی نیز معتقدند که اخلاق کهن در امور جنسی باید جای خود را به اخلاق جدید اصلاح شده، دهد. به عقیده فروید، اخلاق جنسی کهن، بر پایه محدودیت و ممنوعیت بوده و دلیل تمامی مشکلاتی که بر بشر وارد آمده است، همین محدودیت ها و ممنوعیت ها می باشد.^۲

۱ - همان، ص: ۲۳

۲ - همان، ص: ۱۸

در این دیدگاه، کامیابی آزادانه زن و مرد از یکدیگر، نه تنها ایرادی ندارد، بلکه مهمترین موضوعیست که باید بدان پرداخته شود. مطابق این عقیده؛ زن و مرد در هر زمان می توانند آزادانه، نسبت به برقراری روابط جنسی با جنس مخالف، اقدام نمایند، خواه قبل از ازدواج و خواه بعد از ازدواج. بنابراین زن و شوهر می توانند علاوه بر همسر قانونی، از معشوقه های فراوانی لذت برده ، لیکن زن مکلف است در زمان آمیزش با غیر همسر، از وسایل ضد بارداری استفاده نماید و فقط می تواند از همسر خویش، آبستن شود.^۱ به عقیده طرفداران این سیستم، آزادی جنسی یک فرد به حقوق دیگران، لطمه

ای وارد نمی نماید و حق شوهر صرفاً در زمان پیدایش فرزند، به میان می آید. زن باید از باردار شدن از معشوقه اش، خودداری نماید. در اخلاق قدیم، به جهت آنکه وسایل ضد بارداری، کشف نشده بود، زن ملزم به حفظ عفت و وفاداری بوده ، لیکن در حال حاضر که این وسائل وجود دارد، ضرورتی به محدود نمودن زن وجود ندارد.^۱

گفتار سوم : دیدگاه اعتدال

در دین یهود، اعمال جنسی زنان، امری ناپسند و گناه آلود ، بیان شده است، لیکن توصیه شده است که صمیمیت و ارضای تمایلات جنسی در بنیان ازدواج و خانواده، ارضا شود و

زن در این کانون مورد حمایت قرار گیرد. ابر
خلاف دیدگاههای بیان شده در گفتارهای قبل،
اسلام، جنبه اعتدال را حفظ نموده است. در
اسلام، علاقه دو همسر به یکدیگر از نشانه های
بارز وجود خداوند بوده و نکاح، سنت پیامبر و
تجرد، نوعی شر دانسته می شود. خداوند در آیه
شریفه ۲۱ از سوره مبارکه روم، می فرماید :
«یکی از نشانه های او این است که از خود شما
برای شما همسر آفرید تا با او آرام گیرید و میان
شما، مهر و محبت قرار داد.» در اسلام
کوچکترین اشاره ای به پلیدی علاقه جنسی و
برقراری این روابط، نشده است. اسلام تمام
تلاش خود را برای تنظیم شرعی این علاقه به کار

برده است. از نظر اسلام، تنها عاملی که روابط جنسی را محدود می نماید، مصالح اجتماعی حاضر یا نسل آینده است و در این زمینه، به تدابیری متوسل شده که موجب محرومیت و سرکوبی این غریزه نشود.^۱

از منظر اسلام، علاقه جنسی نه تنها با معنویت و روحانیت، منافاتی ندارد، بلکه یکی از صفات ویژه پیامبران دانسته شده است. چنانکه یکی از اصحاب رسول اکرم به نام عثمان بن مظعون کار عبادت را به حدی رسانده بود که روزها را به روزه و شب ها را به نماز می گذارند و همسرش از این موضوع به پیامبر شکایت نمود و رسول اکرم با خشم به آن صحابه، چنین

^۱ - مطهری، مرتضی، منبع قبل، ص: ۱۲

فرمودند : «ای عثمان، بدان که خدا مرا برای رهبانیت نفرستاده است؛ شریعت من شریعت فطری آسانی است. من شخصاً نماز می خوانم و روزه می گیرم و با همسر خودم نیز آمیزش می کنم. هر کس می خواهد از دین من پیروی کند باید سنت مرا بپذیرد. ازدواج و آمیزش زن و مرد با یکدیگر، جزء سنت های من است.»^۱

فصل دوم

آثار حقوقی مترتب بر زناشوئی در بحث عقد نکاح

مبحث اول : آثار حقوقی مترتب بر زناشوئی در موانع عقد نکاح

در این مبحث طی گفتارهای جداگانه به بررسی موانع نکاح، تعریف و انواع آن و آثار مترتب بر زناشوئی در این موانع، خواهیم پرداخت.